

حقوق متقابل دولت و ملت!

نامه‌ای به افسران و نظامیان

از بنده خدا : علی امیر مؤمنان و افسران و نظامیان و درجه داران و سرپاژان ... پس از حمد و ستایش پروردگاز...

از حقوق ثابت و مسلم ملت بر گردن زمامدار این است که در است و حکومت بیست و دوام ، بیاد حلال او را نریزد ، و موجب نشود که رفتار خود را با ملت قسیم دهد و بر ایشان ببردگی فروزند ، نه از حق ندارد از نظام خویش حواصتفاده نماید . بلکه بر عکس بایستی فردی قسیم حواصت گرفته که وی بایندگان خدا نزدیکتر شود ، و از آنها فاصله بگیرد و در ملت که بر اذن او هستند میربان

باشند و بشکاه علوم انسانی و مطالعات فرنگی
آن ای نظامیان ! شما را پروردگار حقوقی است که من آنها را
پس میدارم و اینک بر آنجا آگهی کنما بر من شرم :

۱ - هیچ امری از امور کشور را بر شما پوشیده نماند و اصل
در کارهای سلطنتی رازی نداشته باشم مگر در مورد اسرار
ظلمی ...

۲ - بدون مشورت و تبادل افکار یا شمار هیچ کاری دست نزنم
مگر در موارد اسکنام و قوانین دینی ؛

۳ - در امانت حقوق و امتیازات و ترفیحات شما در موقع مقرر
مخاطبه نموده تا خبر رواندارم و بدون ملت حقوق کسی را تسلیع نکنم .

- ۴ - همگان را در برابر حق و قانون به یک چشم بنگرم، و سق و عدالت را در همه افراد جلوه‌مناوی و یکسان اجراء کنم . اگر من بوظائف خود عمل کردم و حقوق شما را جلوه کامل رعایت کردم آنکاه باید بدانید که مرا نیز بر گردن شما حقوقی است و قبل از هر چیز بایشی خدا را میاس گوشید که او نسبت داری شما تمام کرده است ، و اینک حقوقی که من بر شما قضا پیدا می کنم :
- ۱- فرمان را اطاعت کنید و از دستورهایم سرپیچی نمائید .
- ۲- وقتی شما را خواندم برای اجرای فرمانی دعوت کردم درنگ و تاخیر مکنید .
- ۳- در انجام وظائف محوله و کارهای شایسته تعلل نورزید و سستی نکنید .
- ۴- در راه حق و حقیقت از تنه‌های حوادث ترسید و مردانه سر بازی کنید .

این بود حقوقی که شما بر دشمنان و ازبدمان برافتنه شما... خود بهتر میدانید که من در اعطای حقوق شما هر چگونه که توانم می کنم اما شما... همان بدانید که اگر شما بوظائف خود عمل نکنید و حق را که منامدار بر شما دارم نیز از دست بچسبیش من خوانم تر و بی مقدار تر از آن نیست که راه کسی و امر اقدار پیش گیرد چنین کسی را من به اشد مجازات تنبیه نموده بیچوجه مورد عقوبت از خواجگان داد می چه بیشتر که شما جنوکتان را از منامداران من مطالبه نموده بگورید و حقوقشان را نیز به پردازید تا خداوند بدین وسیله همه کارها را بحیر و خوبی اصلاح فرماید .

(نسخ الیلاغه نامه جنبل و عشق)

توضیح و تفسیر ۱
 احیام (ع) معتقد است که در یک جامعه اسلامی که در آن اسلام حکومتی کند تمام پایه ها بر اساس رعایت حقوقی گذارده شده است . تمام طبقات بر گردن یکدیگر حق دارند ، و امام متبینه دارد تا مردم حق خود را از نامداران

تا این حقوقی از طرف دشمن نسبت بیکدیگر پرداخت نشود خدا کارها را اصلاح نخواهد فرمود . بر خلاف بنده اصولی که گمان میکنند تنها با دعا کارها اصلاح شده و بر آه میگرد ، امام متبینه دارد تا مردم حق خود را از نامداران

نگیرند حق آنها را ندهند ، خداوند کارشان را اصلاح نخواهد کرد ، خوب به این جمله امام (ع) توجه فرمائید و تأمل کنید که چه می فهمید ؟
فخذوا هذین امرالکم واعطوهم من انفسکم ما یصلح الله به امرکم . حقوق مردم!

در نخستین مرحله حکومت بایستی بپذیرد که ملت بر گردن او حقوقی دارند و این حقوق را بایستی ادا کند حساب حق و وظیفه است ، ثابت و واجب است ، قابل تغییر و تبدیل نیست و نخستین حق مردم بر نامداران این است که درک کنند منسب که از جانب پروردگار (در صورت خلافت صحیح اسلامی) و یا از طرف مردم با آنها تفویض شده و نیروی ملی بهرمانشان درآمده است بچهار این است که خدمتگوار ملت باشند و وظایف مستقیم خود را انجام دهند ، حرام و حلال آنها را بشناسند و از مردم فاصله نگیرند و خود را از آب و گل دیگر و شهر و دیار دیگر نمانند بلکه بیشتر با مردم نزدیک شده بمنبت که برادران اویند نیکی کنند **فان حقا علی الوالی ان لا یغیرو علی رعیتة فضل ناله ؛ ولا یطول خصی به ؛ وان یزینه ما قسم الله له من نعمه ؛ فذوا من من یباده و عطف علی اخوانه**

فقط اسرار نظامی را زمامداری که این منصب به او تفویض شده ، تمام گوش و روی در آن است که حاکم را بسوی خیر و صلاح پیش ببرد ؛ او برای مردم کار می کند ، پس مردم باید از کار او باخبر باشند ، حکومت کاری شخصی نیست تا مورد آن مردم پوشیده باشد ؛ بنا بر این حکومت اسلامی در برابر ملت خود سری و داری ندارد تا در احقان آن بگردد . نامدار باید مشکلات را سر بها به مردم

بگوید ، پرده پوشی ننماید ، امکانات خود را در نظر بگیرد و از آنها حد اکثر استفاده را بنماید ، چنین زمامداری خود می بیند مشکلات خود را با ملت در میان بگذارد و از پشتیبانی و کمکهای بی دریغ آنها برخوردار باشد ، چنین زمامداری احتیاج ندارد که دروغ بگوید و به مردم وعده بی جا بدهد . در حکومت اسلامی تنها ، دولت در یک مورد حق دارد پرده پوشی کند و به نفع کشور دزد داری نماید و آنهم در مورد اسرار نظامی و رازهای جنگی است . آری اسرار نظامی هر کشور بایستی پوشیده باشد جدا آشکار شدن آن مسکن است دشمن خیره شده و منبذت در میان او بیفتد ؛ الا وان لکم عدلیان الا حنجر دونکم سرا الا فی حرب ؛

تبیته در صفحه ۳۴

فقیر و توانگر

فقیر در خانه را و توانگر رفت و گفت :
 شایه نام که مالی چون مستحقان در نظر گرفته ای و من بی نیابت محتاجم ، تروتمندانه های آورده گفت آن مال نذر اینا بیان است ، تو نایبنا نیستی فقیر گفت اشته می کنی نایبنا واقص منم که در خانه خداوند خالق و رازق را گذارده و در خانه چون توئی آمده ام این بگفت روی او تروتمند بگردانید و رفت . توانگر خادم خود را دنبال او فرستاد و قدر خواهی کرد ، ولی پذیرفته نکرد .

قابل ملاحظه است استروئیدهای و آنابولیزان
برای حرکت دادن جریان از کبد و مصرف آن
در بدن داده می شود .

پا از بین رفتن علائم ظاهری اختلال کبدی،
بیمار از بیمارستان مرخص می شود قاصداً برای
میانبات و پی گیری های بعدی سه اقل هفته ای
یکبار در درمانگاه تحت معاینه واقع شود. تشریح
سلسه طبیستحصص داخلی ، دوران پرشک و
معدکاز اجتنامی برای گمشکهای پرشکی دوران
پرشکی ، احساس و اقتصادی نهایت لزوم را
دارد . (۱) بیضا برینتاله را در شماره آینده مطالعه
فرمائید .

رفت . شایسته است هرمتاد به الکل که کبد وی
در مرحله اول یادوم ضایعه است در بیمارستان
برای مدت دو تا سه هفته بستری و تحت درمان و
مراقبت کامل قرار گیرد طی این مدت حسکادی
صمیمانه بین طبیب و مریض و خانواده بیمار باید
برقرار باشد ، و مجدداً لازم است برای جلوگیری
گیری از پیشرفت و سرروزه اجتناب کامل از
مصرف مشروبات الکل را تأکید و ترویج نمود .
برای این بیماران ، رژیم غذایی محتوی
ویشامین لازم و کافی ، مشاوره روان پرشکی
و آرام بخشی های روانی باید تجویز شود . به
بیمارانیکه تجمع جری در سلولهای کبدی آنها

قیه از ص ۱۹

پارلمان در حکومت اسلامی !

از آنجا که قوانین کلی مورد نیاز بشر از
جانب پروردگار تشریح گردیده و مومنان با
عظیم الشان به مردم ابلاغ شده است حکومت
اسلامی احتیاج به قانونگذاری ندارد . ولی
پارلمان به معنی هر گروهی برای تعیین نحوه
اجرای قوانین و تطبیق کلیات بر موارد جزئی
و امثال آن در حکومت اسلامی بوشم بینی شده
است . نامدار در حکومت اسلامی فوق العاده است
کارمندان با مشورت انجام دهد . مگر آنجا که قانون
الهی و ظواهرها بطور صریح تعیین کرده باشد و در
اینصورت او باید بر مقتضای خود برود ، در غیر
اینصورت با در مورد اجرای احکام که ممکن
است راههای مختلفی وجود داشته باشد ، نیز
نامدار حق ندارد پاسداری و خودمیزی رفتار
کند ، بلکه موظف است کارها را به مشورت
بگذارد و پس از مشاوره ، تصمیم بگیرد ، و با

توکل و اعتماد بر پروردگار به رأی مجلس
مشورتی عمل کند (۱) و لا اطوی دونکم
امر الافی حکم

پوستین بهرddy آمد نی بهار !

ببینان ما این عجب المثل خواسته اند
بنمایند هرکاری داشتی مقرر است ، یکی از
مقدمات بهار ماسلمان وقتشناس است ، اما از
باینکه عقبه ندیم و تأخیر از وقت جایز نیست ،
روز و اسلام وقت دارد ، حج اسلامی وقت مخصوص
دارد و اسلام برای بسیاری از اعمال است وقت تعیین
کرده و اوقاتی نیز بقدری دقیق تنظیم گردیده
که در قیامها و تائیدها در آن اثری عظیم می باشد ،
مسلمانان بایستی از وقتشناسی شان درس بگیرند و در
کارها عظیم باشند ، نامدار پیش از هر کس باید
این نکته را رعایت کند ، مردم بگردن او حق
دارند ، افسران و نظامیان حقوقی دارند ، این
حقوق بایستی پرداخت گردد ، و در پرداخت
آن رعایت وقت بهر باید بشود .

(۱) و مشاوره فی الامر فاذا عرفت توکل علی الله